

کاغذ ابری

اصطلاح " ابری " گویای گونه‌یی آرایش و رنگ آمیزی بر روی کاغذ است که در آن، رنگ‌ها همچون موج و جریان آب یا مانند ابرهای درهم پیچیده، نمودار گردیده، گونه‌یی زیبایی تصادفی یا حساب‌شده پدید می‌آورد.

پیش از همه باید دانست که اصطلاح " ابر " و " ابرسازی " و " ابرچینی " که یکی از رشته‌های هفتگانه نگارگری ایرانی است، بجز " ابری‌سازی " یا " کاغذ ابری " است که در فن کاغذگری و کتاب‌آرایی بکار می‌رود.

تاریخ پیدایش ابری‌سازی یا کاغذ ابری به فرجامین سالهای سده نهم هجری بازمی‌گردد و به نوشته صاحب رساله " قواعد خطوط " نخستین کسی از ایرانیان که کاغذ ابری ساخته و بکار برده است، خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید بیانی کرمانی است (۸۶۵-۹۲۲ یا ۹۳۲ ه.ق.) و این که در دیباچه گلستان هنر، مخترع کاغذ ابری، میرمحمد طاهر مجلد نام برده شده، اشتباهی بیش نیست.

خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید متخلص به " بیانی " فرزند شمس‌الدین محمد کرمانی، از بزرگ‌زادگان و وزیران در بار تیموریان بود (نوائی، امیر علیشیر، مجالس النفاث ص ۲۸۱- خواند میرغیاث‌الدین، حبیب السیر ص ۳۲۵). این هنرمند گذشته از کارهای دولتی و صدرات، در نظم و نثر دستی داشت و بیشتر قلمها را خوش می‌نوشت و در موسیقی و علم ادوار صاحب نظر بود و در ساخت قانون تصرفاتی کرده بود و در زمان او کسی قانون را به خوبی او نمی‌نواخت.

او استاد سام میرزای صفوی بود، از اینروست که در تحفه سامی، شرح حال نسبتاً مفصلی از او یاد گردیده است (سام میرزا، تحفه سامی، ص ۱۰۲).

در رساله " قواعد خطوط " نوشته محمودبن محمد (کتابخانه ملی، نسخه خطی) آمده است که: " خواجه عبدالله خوشنویس دیوان اعلی بود و افشان و غبار و رنگ آمیزی ابری کاغذ اختراع اوست (بیانی، خوشنویسان ج ۲ ص ۳۵۲). گذشته از عبدالله مروارید، از کسانی که در رواج و گسترش این رشته از هنر در ایران و هند، کارگر افتاده است، میرمحمد طاهر مجلد از هنرمندان سده دهم هجری ایرانست که مردی صاحب ذوق و در خوشنویسی و جلدسازی و ساختن کاغذ ابری استاد بود. وی در سفری که به هند کرده بود، در آن دیار این هنر را رواج داده، نمونه‌هایی از کارهای خود، به ایران فرستاده بود، چون این گونه کاغذهای آراسته، زیبایی چشم نواز و

خیال‌انگیزی داشت هنردوستان و بزرگان ایرانی، آن را سخت پسندیده، در آراستن کتابهای دستنوشته گرانها از آن سود می‌جستند و چون اندکی از این گونه کاغذها، از هند به ایران می‌رسید، و نیاز خواستاران را بر نمی‌آورد، بناچار هنرمندان ایرانی خود دست بکار ساختن کاغذ ابری بیشتری شدند و چنانکه یاد خواهیم کرد، گفته شده کسی که در ایران در پی فراهم آوردن کاغذ ابری به شیوه میرمحمد طاهر مجلد برآمد، مولانا یحیی قزوینی بود که پس از کوششهای فراوان، توانست ابری‌هایی به روش او ساخته از آب درآورد، لیک هم او نیز در آغاز کار بخوبی استاد محمدطاهر نمی‌توانست بسازد، تا با به دست آوردن نسخه‌ی استاد، توانست ابری‌های زیبایی به بازار آورد.

در نسخه‌ی دستنوشته گلستان هنر، متعلق به کتابخانه‌ی سالار جنگ در هند آمده است: «مولانا یحیی از قزوین است، در وصالی و رنگ‌آمیزی کاغذ و ابری‌ها بسیار نادر افتاده و تصرفات نیکو دارد» و نیز درباره‌ی درخواست یحیی قزوینی، نسخه‌ی ابری‌سازی از میرمحمد طاهر مجلد، نامی در دست است که در آن هنرمند قزوینی از میرمحمدطاهر به نظم و نثر با ستایش از ابری‌های کار دست او - که به شهرهای دور دست می‌برده‌اند و اندکی نیز به ذوالفقار خان فرستاده بوده و او فرموده که کتابهای گرانها را به این کاغذها متن و حاشیه کنند - نسخه‌ی ساخت کاغذ ابری را خواسته است (ملک ۳۸۴۶/۶۵).

چنین می‌نماید که شیوه‌ی ابری‌سازی میرمحمد طاهر، بر هنرمندان و هنردوستان ایرانی سخت خوش افتاده و بر آن شده‌اند که نسخه‌ی او را بدست آورده از شیوه‌ی او در ابری‌سازی پیروی کنند، چنانکه جز یحیی قزوینی، ملا خلیل وقاری لاهیجی نیز نامی به محمد طاهر نوشته و در آن نامه هنر او را ستوده و از او درخواست کرده که اصول ابری‌سازی خود را برای او نیز بفرستد (ملک ۳۸۴۶/۷۳).

جز این‌ها که نام بردیم، کسان دیگری نیز توانستند به ابری‌سازی رواج بیشتری داده، شیوه‌های نوین و گوناگونی بیافرینند که مولانا تذهیبی یکی از آنان بوده است (سپیلی، احمد، گلستان هنر ص ۴۲).

گذشته از تذهیبی، محمد امین مذهب مشهدی نیز در ابری‌سازی، چیره‌دست بوده است. قاضی احمد قمی در گلستان هنر درباره‌ی او می‌نویسد:

"مولانا محمد امین جدول کش، مشهدی است، در تذهیب و جدول کشیدن قرینه خود نداشت و استاد فقیر است و در وصالی و افشان‌گری خواه لینه و خواه میانه و خواه غبار و خواه حل کرده، قرینه نداشت و در کار کاغذ رنگ کردن و ابری‌های مختلف، نادر عصر بود، هفتاد رنگ کاغذ، رنگ می‌نمود، مجملأ که درین فنون نظیر خود نداشت (قاضی احمد، گلستان هنر ص ۱۴۸).

به مناسبت نقش و نگارهای تصادفی یا عمدی و حساب شده که در ابری سازی کاغذها، پدید می آید و به جریان آبهای رنگین و موجهای روی آب می ماند، ملاحظه سازد مازندرانی هم روزگار شاه عباس یکم، سروده است:

درد دلم به کاغذ ابری رقم کنید شاید که پی بدیده گریان من برد

(تذکره نصرآبادی ص ۳۷۵)

چکامه سرای دیگری گفته است:

برده چشم من و کاغذ ابری است یکی دیده ام تا به چمن جلوه نیرنگ ترا

(مجله آریانا، سن ۴ ش ۷).

ساختن کاغذ ابری به تخصص و دقت فراوانی نیاز دارد و در گذشته چندین گونه کاغذ ابری ساخته و پرداخته می شد که امروزه کمتر کسی از راه و روش ساخت آنها آگاه است و اگر هم آگاه باشد، راز آن را فاش نمی سازد.

بطور کلی در ابری سازی، رنگها آزاد و سیالند و طرح ویژه ای ندارند و همچون شیوه «لعاب پاشیده» که در سفالگری و کاشی سازی به کار می رود - و گویا از چینیان گرفته شده است - رنگها بطور تصادفی رویهم یا پهلوی هم قرار می گیرند و زیبایی طبیعی ویژه ای را پدید می آورند و بهمین انگیزه در هند به آن اصطلاح "درهمی" بکار می برده اند.

توماس هربرت در کتاب "مسافرت به ایران" که در میان سالهای ۱۰۳۷-۱۰۳۹ ه.ق. نوشته است: کاغذهای ایرانی را "راه راه" و "رگه دار" همچون مرمر ستوده است (هربرت، ت، ص ۲۳۴).

با آنکه کاغذهای ابری گوناگونی هست، لیک شیوه کار در ساختن آنها یکی بیش نیست. برای ساختن کاغذ ابری نخست آمیزه ای از سه لیتر آب و دو یست گرم گچ را با صمغ را که باید بخوبی در آب حل شده و بهم زده شده باشد تا سیال گشته بصورت سفیده تخم مرغ درآید و به آسانی جریان یابد، می گیرند و سپس آن را در ظرفی دهن گشاد مانند تشت که گنجایش برگ کاغذهایی را که می خواهند ابری سازند، داشته باشد، می ریزند و می گذارند تا ناخالص آن بروی آب گرد آید و آنگاه کف روی آن را می گیرند تا صاف و زلال گردد. سپس رنگهای کانی را که در نگارگری نیز بکار می رود، و یا برای لعاب های رنگین از آنها استفاده می کنند، در آب کوبیده، نرم می سازند تا پاک بحالت مایع درآیند، آنگاه زهره گوساله یا عصاره برگ شنبلیله را می جوشانند تا از آن برای میانجی بهره گیرند.

پس از آن چند قطره از زهره جوشیده یا آب شنبلیله را در مقدار اندکی از محلول رنگها می چکانند و مخلوط را خوب می تکانند، سپس این ترکیب را بروی آمیزه کتیرا و

آب ریخته می‌آزمایند و این کار به وسیله قلم‌موی نگار گران انجام می‌گیرد، بدینسان که آنرا بالای ظرفی که محلول در آنست می‌گیرند و سپس دسته قلم را با دسته قلم دیگری می‌کوبند تا مایع قطره‌قطره در درون نشت پاشیده شود.

زهره گوساله باید به اندازه‌یی باشد که نه باعث انقباض و نه انبساط مایع گردد و اگر هم چگونگی این مایع رضایت‌بخش بود، باید باز هم آن را آزمایش کرد تا نمونه بهتری بدست آید. هنگامی که قطره‌ها پخش می‌گردند، شکل‌های گوناگون بخود می‌گیرند و ناچار از هم باز و گشوده می‌شوند، در این حال کاغذ را بر روی این مایع انداخته، آن را با دست به آرامی می‌مالند تا آثار رنگهایی که بر روی مایع است به زیر ورق کاغذ بچسبد و سپس ورق را با گیره چوبی گرفته، از ریسمانی در هوا می‌آویزند تا خشک شود و نمونه ثابتی از نقش روی آب دست آید. در این حالت اگر زهره گوساله یا عصاره شنبلیله در مایع رنگها کم باشد طرح ناپدید خواهد شد. پس باید زهره و عصاره بیشتری ریخته شود.

کاغذ ابری که ایرانیان آن را "موجی" نامیده‌اند بهمین شیوه ساخته می‌شود، بدینسان که چند قطره رنگ روی سطح مایع با تکاندن دسته قلم آغشته به رنگ می‌چکانند و می‌گذارند تا خود بخود پخش شود، سپس این طرح پراکنده تصادفی و طبیعی را روی کاغذ نقل می‌کنند و برای هر برگ کاغذ، باید دوباره روی مایع رنگ دیگری چکانند و چون شکل قطره‌های چکانده شده همه تصادفی است، بنابراین هیچگاه نقش و طرح دو برگ کاغذ ابری یکسان از کار درنخواهد آمد، با این همه می‌توان با جابجا کردن رنگها بر روی مایع، طرح را تا حدودی حساب شده و بدلخواه از آب درآورد. برای این کار از یک شانه چوبی به پهنای شش سانتیمتر سود می‌جویند و با ریختن رنگ بر روی آن، رنگها را رشته رشته در محلول سر داده، کاغذ را بر روی آن پهن می‌کنند تا آثار دندان‌های شانه پدیدار شده و راه‌هایی بسان راه‌های سنگ مرمر پدیدار گردد، این گونه ابری را "ابری شانه‌یی" می‌نامند.

اگر هنگامی که رنگ روی محلول کتیرا ریخته می‌شود، آن را با قلم‌مویی که از موی و یال اسب ساخته شده به بیرون کشیده پخش کنند، این کار برخلاف جریان و گسترش طبیعی مایع خواهد بود و در اینجا هنرمند می‌تواند طرح خود را بدلخواه پدید آورده ثابت کند و چندین برگ همگون و یکسان بسازد. این گونه ابری را "ابری طوماری" و "نقش درهم" می‌نامند.

برای ساختن کاغذ ابری گلدار، قطره‌یی از رنگ را از قلم‌موی که به ترتیب پیشین ساخته شده باشد، روی سطح محلول کتیرا یا صمغ می‌ریزند و می‌گذارند که رنگها که در سطح وسیعتری پخش شده‌اند یکجا گرد آیند و از حرکت باز ایستند، آنگاه با

قلم‌موی پاک دیگری، به رنگها هر شکلی که بخواهند می‌دهند، برای مثال می‌توانند آن را به شکل گل لاله یا برگ درآورند و حتی ممکن است با ریختن یک قطره رنگ زرد در درون گلی سرخ، برای آن مادگی نیز پدید آورد.

لیک اگر بخواهند نقطه یا جای سفیدی در طرح پدید آورند، در آن حال از یک قطره زهره خالص استفاده می‌کنند، زیرا زهره گوساله، اثر سفید از خود بر روی کاغذ باقی می‌گذارد.

کاغذ ابری را می‌توان با نمونه و الگوهای خطی یا عددی نیز فراهم آورد، یا دارای خطی خوش یا تصویر جانوران و پرندگان و پروانه‌ها گردانید. بدین سان که نخست نوشته‌ها و شکل‌ها را با محلول نسبتاً غلیظ کتیرا بر روی کاغذ نوشته یا می‌کشند و می‌گذارند خشک شود، سپس رنگهای مورد نظر را در سطح محلول می‌پراکنند و صفحه کاغذ نوشته یا شکلدار را بر روی آن گذاشته، با دست پشت آن را می‌مالند، در این وضع بطور معمول طرح ابری به کاغذ می‌چسبد، بجز جاهایی که کتیرا در آنجاها بکار رفته است. سپس کاغذ را برداشته خشک می‌کنند و صیقل می‌دهند. موثر بودن این گونه ابری بستگی به برابری الگوها دارد، از اینرو برای یکسانی و حفظ طرح، بهترست برای زمینه طرح ابری، رنگهای جسمی‌تری بکار برده شود.

برای ساختن ابریهای زرین، نمی‌توان محلول طلا را بر روی محلول کتیرا ریخت، زیرا طلا بعلمت وزن مخصوص خود که سنگین‌تر از آب است، در ته ظرف رسوب می‌کند. برای ساختن ابری زرین می‌توانیم به محض اینکه کاغذ را از محلول کتیرا برداشتیم، خرده‌های ورقه طلا را بر روی آن بپاشیم و این کار بهمان شیوه انجام می‌گیرد که بخواهیم کاغذهای زرافشان بسازیم. پس از پاشیدن خرده‌های طلا و خشک شدن کاغذ، باید آنرا مهره بزیم تا درخشانتر گردد.

در برخی از کتابهای دست‌نوشته روزگار صفویان که نقشها و شکل‌های گوناگون بر کاغذهای ابری پدید آورده‌اند، چنین می‌نماید که هنرمندان، این شکل نقشها را ظاهراً مستقیماً بر روی کاغذ پدید آورده‌اند، لیک واقعیت اینست که این شکلها بطور جداگانه بر روی کاغذ ترسیم و سپس بزیده شده و سپس با استادی به ورق ابری ضمیمه یا ثابت گردیده است، آن چنانکه نمی‌توان آن را باز شناخت (طاهرزاده بهزاد، حسین، پوپ ص ۱۹۲۱-۱۹۲۷).

درباره ساختن کاغذ ابری روشها و نسخه‌های دیگری نیز موجود است که از آنجمله نسخه دست‌نوشته مدرسه غرب همدان و نسخه حاج مصورالملکی است که با اندک تفاوتی، اصول ابری‌سازی را تشریح کرده‌اند.

ابری که ساختن آن در اواخر سده نهم هجری در ایران پدیدار و پرورده شده بود،

سپس در برخی از کشورهای دیگر پراکنده گردید، از جمله هنرمندان کشور عثمانی از آن تقلید کردند و آن را رواج بیشتری دادند.

ابری با نام اصطلاحی خود در کشور عثمانی شیوع یافت و با نام "ابرو = Ebru" معروف شد. گویا واژه فارسی "ابری" چون تلفظ حرکت زبر (ا) در زبان ترکی عثمانی ثقیل است بصورت "ابرو" درآمده و از آن تعبیر ویژه‌یی شده و معنی "آبرو" (آب + رو) یا نقش روی آب اراده شده است که چه بسا این تعبیر درست‌تر و کهن‌تر از "ابری" باشد.

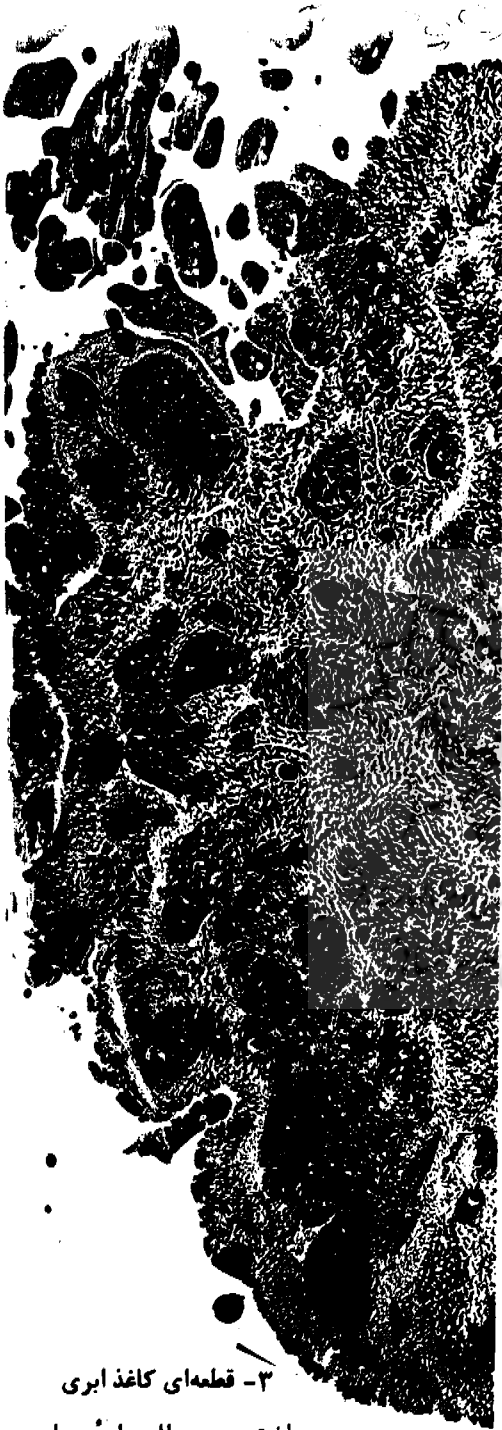
ترکان اکنون بیشتر وانمود می‌کنند که ابری‌سازی اصلاً یک هنر ترک است و چنانکه شیوه آنهاست ریشه آنرا از شهری را که بگمان آنان یک شهر ترک‌نشین بوده است می‌دانند و کهن‌ترین نمونه آنرا بر روی کاغذی که بخط خوش مالک دیلمی نوشته شده، از سال ۱۵۵۴ میلادی = ۹۶۲ ه.ق. معرفی می‌کنند.

بهرسان، این هنر در سده هیجدهم و نوزدهم میلادی در کشور عثمانی رواج فراوان یافته و ابری‌سازان نامداری مانند صادق افندی که از مردم شهر بخارا بوده و پسرش ادهم افندی هزار فن بظهور رسیدند، این هنر از ادهم افندی به شاگردش نجم‌الدین اوکیای و از او به نواده‌اش مصطفی دوزگونمن رسیده که اینک در دهه هشتم زندگانی است و به این کار مشغولست. وی مجموعه‌یی منظوم بنام "ابرونامه" نیز بترکی سروده و شیوه ساختن و اصطلاحات آنرا بیان کرده است (ترک‌ها و ایولاری)

ابری‌سازی چنانکه دانشمندان و هنرشناسان ژاپونی پژوهش کرده‌اند از ایران از راه ابریشم به ژاپون درآمده و سخت مورد پسند هنرمندان ژاپونی قرار گرفته است، لیک اکنون ابری‌سازان ژاپونی همچون ایران و ترکیه تنی چند بیش نیستند (آینده س ۱۳ ش ۱-۳ ص ۹۳).

ابری‌سازی از کشور عثمانی راه به اروپا گشوده، بدینسان ابری‌سازی فرنگی پدید آمد که سپس گونه چایی آن با طرح‌ها و نقشها و رنگهای گوناگون بر روی جلد کتابها و آستر بدرقه آنها بکار رفت و چون ارزانتر و فراوان‌تر بود بازار ابری‌های دست‌ساز را کساد کرده از رونق انداخت. *

* درباره ابری چند مقاله به زبانهای خارجی هست که بهترین همه به انگلیسی از ایننگهاوزن و دیگری که به فرانسه اخیراً در استودیایرانیکا نشر شده از Y. Porter است. همین روزها دیده‌شد که مقاله آقای محمدحسن سمسار هم در جلد دوم دائرة المعارف بزرگ اسلامی چاپ شده است. (۱۰۱).



۳ - قطعه‌ای کاغذ ابری

ساخت حسین طاهرزاده بهزاد



۱ - قطعه‌ای کاغذ ابری از دوره صفوی





۴- قطعه‌ای کاغذ ابری گلدار ساخت مصطفی دوزگنمن